

درآمدی بر قراردادهای فارماوت در صنعت نفت

منصور احمدنژاد*، مصطفی زین‌الدین^۱، احسان افشار^۲، دانشگاه صنعت نفت

چکیده

از آنجا که پروژه‌های موضوع قراردادهای نفت و گاز پیچیده، طولانی‌مدت، پرریسک و پرهزینه‌اند پیمانکار یا شرکت نفتی صاحب امتیاز اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری ممکن است توان اجرای انفرادی عملیات نفتی را با پذیرش ریسک انحصاری از حیث فنی یا مالی نداشته باشد یا به‌علت گستردگی منطقه‌ی اکتشافی و نیاز به کسب اطلاعات زمین‌شناسی در منطقه‌ی قراردادی به تنهایی قادر به اجرای عملیات لرزه‌نگاری و حفاری چاه‌های اکتشافی نباشد. به‌همین دلیل معمولاً شرکت‌های درگیر در پروژه از پذیرش انفرادی انجام چنین عملیاتی اجتناب می‌کنند؛ از جنبه‌ی تأمین منابع مالی نیز بانک‌ها یا مؤسسات مالی به‌دلیل وجود ریسک‌ها و چالش‌های مذکور به‌ندرت اقدام به تأمین مالی این عملیات می‌کنند. به‌دلیل الزامات یادشده و جهت مقابله با این مشکلات در سال‌های اخیر نوعی از ترتیبات قراردادی با عنوان فارماوت در صنعت نفت و گاز بسیار رواج یافته است. به‌دلیل این ترتیب قراردادی که شیوه‌ی خاصی از واگذاری قرارداد محسوب می‌شود پیمانکار اصلی طرف قرارداد پایه (اعم از امتیازی، مشارکت در تولید، مشارکت در سرمایه‌گذاری، خدمت و بیع‌مقابل) که متصدی اجرای عملیات نفتی است متعهد می‌شود بخشی از سهم‌الشرکه یا حقوق مشارکتی خود را به شرکت نفتی دیگری واگذار کند؛ مشروط به اینکه شرکت اخیر تعهدات محوله به خود را به‌دلیل چنین قراردادی انجام دهد.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال نویسنده: ۹۶/۱۲/۱۲

تاریخ ارسال به داور: ۹۶/۱۲/۲۲

تاریخ پذیرش داور: ۹۷/۰۲/۰۴

واژگان کلیدی:

فارماوت، واگذارکننده، واگذارشونده، سهم‌الشرکه

مقدمه

مختلف با هدف کسب تجربه و دانش فنی و مهم‌تر از همه کسب اطلاعات زمین‌شناسی و سهم شدن در منافع ناشی از اجرای عملیات وارد یک رابطه‌ی مشترک با پیمانکار اصلی خواهند شد.

قراردادهای فارماوت در کنار اجاره و عملیات مشترک سه ابزار و عامل مهم پیشرفت و توسعه‌ی صنعت نفت و گاز هستند. از این بین قرارداد اجاره از همه پرسابقه‌تر و با اهمیت‌تر است و مفسران و دادگاه‌های بسیاری تا کنون در مورد این قراردادها نظر داده و آنها را تفسیر کرده‌اند. اما همان‌طور که پروفیسور جان لو در مقاله‌ی خود در خصوص قراردادهای فارماوت اشاره می‌کند [۱۲]، از زمان پایان جنگ جهانی دوم تا کنون اهمیت قراردادهای فارماوت در صنعت نفت و گاز تقریباً با اهمیتی که قراردادهای اجاره در این صنعت دارد برابر شده است. به‌عقیده‌ی او این افزایش اهمیت به‌دلیل افزایش ریسک‌های ناشی از حفاری چاه‌های عمیق و هزینه‌ها در این زمینه و تعدد شرکت‌های کوچک مشتاق به انعقاد قرارداد با شرکت‌های بزرگ است. این مقاله ضمن تعریف قراردادهای فارماوت و تشریح ماهیت آن ویژگی‌های کلیدی و همچنین انواع و کارکردهای این قرارداد را بیان می‌کند. سپس تعهدات طرفین و در نهایت ضمانت اجرای عدم انجام آنها بررسی خواهد شد.

۱- ماهیت قراردادهای فارماوت

واژه‌ی فارماوت ریشه در رویه‌ی رومی‌ها در جمع‌آوری مالیات دارد که حق جمع‌آوری مالیات‌ها را در ازای دستمزدی مشخص به شخص

اغلب قراردادهای نفتی حاوی شروطی هستند که به پیمانکار اصلی اجازه‌ی انتقال یا واگذاری حقوق، تعهدات و منافع خویش را در شرایط خاصی به شخص ثالث اعطا می‌کنند. به‌دلیل اینکه این قراردادها و عملیات موضوع آنها از پرهزینه‌ترین، طولانی‌ترین و پرریسک‌ترین قراردادهای سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند. بنابراین ممکن است یک شرکت پیمانکار یا کنسرسیومی از پیمانکاران به‌تنهایی قادر به انجام تمامی عملیات موضوع پروژه‌های نفتی نباشد. بنابراین پیش‌بینی راه‌کارهایی در قرارداد که به‌موجب آنها بتوان ریسک انجام عملیات را کاهش داده و پروژه را به سرانجام مطلوب تری رساند، مناسب و در راستای منافع طرفین خواهد بود. واگذاری^۲ یا انتقال موقعیت قراردادی یکی از راه‌کارهای نیل به اهداف مذکور است. واگذاری قرارداد عبارت است از اینکه یک طرف، وضع حقوقی و موقعیت قراردادی خود را اعم از حقوق و تعهدات، به‌طور کلی یا جزئی به شخص ثالث انتقال دهد [۱]. در جهت تحقق اهداف مذکور و کاهش بار مالی و ریسک شرکت‌های درگیر در پروژه در سال‌های اخیر قراردادهای فارماوت که شیوه‌ی خاصی از واگذاری منافع قراردادی است (چه در قرارداد اجاره و چه در سایر قراردادهای نفتی بین‌المللی) در عرف صنعت نفت رواج بسیاری یافته که از طریق آن از یک طرف شرکت‌های درگیر در عملیات نفتی ریسک و هزینه‌ی ناشی از انجام عملیات و تأمین مالی پروژه را با شخص ثالثی که ممکن است از شرکت‌های وابسته به دولت میزبان یا شرکت مستقل دیگری باشد تقسیم می‌کنند. در خلال این واگذاری، شرکت‌های منتقل‌الیه علاقمند به شرکت در پروژه‌های

* نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات (ahmadnejadm@gmail.com)

ثالث واگذار می کردند. این رویه بعدها به اسکاتلند، انگلستان و فرانسه منتقل شد اما طولی نکشید که استفاده از این روش به دلیل سوءاستفاده‌هایی که از آن می شد کنار گذاشته شد [۱۷]. قرارداد فارماوت نفت و گاز به قراردادی گفته می شود که در آن طرف صاحب امتیاز یا حق حفاری، تمام یا بخشی از آن منافع یا حقوق را در مقابل انجام عملیات حفاری و آزمایش آن، به طرف دیگر واگذاری می کند [۱۶]. شخص صاحب حقوق حفاری را واگذارکننده و شخص دریافت کننده حقوق در ازای انجام عملیات حفاری را واگذارشونده می نامند. اما به دلیل اینکه فارماوت به عنوان ابزاری جهت تأمین منابع مالی نیز به کار می رود، این کارکرد فارماوت در تعریف مذکور مغفول مانده است؛ بر همین مبنا بهتر است به تعریف دیگری از این قرارداد که در برخی نوشته‌ها آمده اشاره شود: قراردادهای فارماوت به مناسباتی اطلاق می شود که در آن یک طرف (واگذارکننده) منافع خود را در مقابل انجام بخشی از تعهدات یا پرداخت مبلغی جهت تأمین مالی در خصوص انجام عملیات موضوع قرارداد پایه به شخص دیگری (واگذارشونده) منتقل می کند؛ گاهی اوقات به فارماوت، Farm-in هم گفته می شود که هر دو به یک معنی هستند [۱۳]. یک مثال ساده از مکانیزم واگذاری حقوق و منافع در فارماوت بدین شرح است:

- واگذارکننده ۱۰۰ درصد منافع یک قراردادی را کسب کرده است
- واگذارشونده می پذیرد که بخش مشخصی از تعهدات واگذارکننده در قرارداد اصلی را انجام دهد (یا هزینه‌ی آنرا بپردازد)
- در مقابل، واگذارکننده متعهد می شود ۵۰ درصد از منافع قرارداد را به واگذارشونده منتقل کند و ۵۰ درصد را هم برای خویش نگه دارد

در اغلب موارد واژه‌ی promote که در قراردادها به کار می رود نشان دهنده‌ی نسبت منافی است که در ازای هزینه کرد واگذارشونده به او تعلق می گیرد. برای مثال شاخص Promote (یک به یک) بدین معنی است که مثلاً اگر واگذارشونده به همان نسبت ۵۰ درصد منافی که واگذارکننده به او می دهد هزینه کرده، در مقابل همان ۵۰ درصد منافع را دریافت می کند؛ اما شاخص دوه‌یک جایی به کار می رود که واگذارشونده به میزان دو برابر منافی که به او تعلق می گیرد هزینه می کند؛ یعنی اگر قرار باشد ۵۰ درصد منفعت به او تعلق گیرد موظف است تا ۱۰۰ درصد هزینه‌ی عملیات را متقبل شود. این شاخص ثابت نیست و بسته به عملیات و مراحل کاری ممکن است تغییر کند.

پیشنهاد انعقاد قرارداد فارماوت معمولاً از طرف واگذارکننده ارائه می شود. واگذارکننده‌ها معمولاً مدل قراردادی استاندارد خود را دارند اما جایی که شرکت واگذارشونده از واگذارکننده بزرگتر باشد ممکن است به واگذارشونده اعلام کند که متن پیشنهادی خود را ارائه دهد. در گذشته بسیاری از فارماوت‌ها به صورت غیررسمی و با رد و بدل کردن نامه انجام می شد [۹] اما با گذشت زمان و همزمان با پیچیده‌تر شدن مسائل مالی و مالیاتی استفاده از این شیوه، دیگر مناسب به نظر نمی رسد. بنابراین شرکت‌ها هر یک به نوبه‌ی خود مدل قراردادی مخصوص به خود را تنظیم

کردند [۱۰].

قراردادهای فارماوت به طور معمول به عنوان روشی برای انتقال منافع قرارداد نفتی بین المللی استفاده می شود. این قراردادها در قراردادهای نفتی اصلی بین المللی که تنظیم کننده‌ی حقوق و تعهدات مربوطه‌ی دولت میزبان و شرکت‌های نفتی بین المللی است گنجانده می شوند. چنین قراردادهایی قالبی مجزا و متفاوت از قرارداد اصلی نفتی محسوب نمی شوند؛ بلکه توسط این ترتیبات قراردادی شخص جدیدی به طرفین قرارداد اصلی اضافه شده یا تغییری در سهم‌الشرکه‌ی اشخاص موجود ذینفع در قرارداد اصلی ایجاد می شود که این امر اغلب مشروط به اخذ تأییدیه‌ی قبلی دولت میزبان است [۴]. ذکر واژه‌ی غالباً بدین دلیل است که شرکت‌های نفتی وابسته به دولت میزبان به دلیل عدم توانایی فنی، مالی و فن آوری در بسیاری از موارد وارد عملیات نفتی به ویژه مرحله‌ی پرسیک اکتشاف نمی شوند و انجام این عملیات به شرکت‌های صاحب صلاحیت خارجی محول می شود که شخصیت مالی و فنی آنها نیز برای دولت میزبان از اهمیت به سزایی برخوردار است؛ بر همین مبنا و از آنجا که قید مباشرت در انجام عملیات نفتی برای شرکت‌های نفتی بین المللی در قرارداد شرط می شود، واگذاری منافع قراردادی به غیر (به غیر از شرکت‌های وابسته به دولت میزبان) منوط به اخذ مجوز قبلی دولت میزبان است که به عنوان ناظر استصوابی در انجام عملیات بر شرکت‌های نفتی عمل می کند؛ از منظر قواعد عمومی قراردادها و حقوق تعهدات نیز انجام تعهد توسط شخصی غیر از متعهد در تعهداتی که مباشرت متعهد یا شخصیت وی در انجام تعهد شرط شده مستلزم جلب رضایت متعهدله است (مستنبط از ماده‌ی ۲۶۸-قانون مدنی).

قراردادهای فارماوت باید در تعامل و هماهنگی کامل با قراردادهای پایه و اصلی منعقد و اجرا شوند؛ در صورتی که نتوان یک قرارداد فارماوت را مطابق با شرایط قرارداد اصلی و با رعایت الزامات قانونی محلی منعقد کرد مشکلات جدی حقوقی پدیدار می گردد.

همان‌طور که اشاره شد دولت میزبان هرگونه انتقال منفعت قراردادی را تحت یک قرارداد اصلی بین المللی مشروط به اخذ موافقت خود می کند؛ اما شرایط و چارچوبی که بر مبنای آنها دولت‌ها انتقال قرارداد را از طریق فارماوت تأیید یا رد می کنند معمولاً در قوانین و مقررات نفتی یا قراردادهایشان وجود ندارد؛ بنابراین تقدیم پیشنهاد انعقاد قرارداد فارماوت به دولت میزبان جهت تأیید ممکن است مسیر مذاکره‌ی مجدد برای قرارداد اصلی نفتی را هموار کند. به دلیل اینکه قرارداد اصلی منعقد در این موارد نقش قانون خصوصی را برای طرفین بازی کند و زمانی که یک قرارداد فارماوت منعقد می شود ممکن است تعهدات طرفین اصلی، بر قرارداد پایه تأثیر بگذارد که از این منظر و برای جلوگیری از بروز اختلاف بین قرارداد اصلی و وابسته، قرارداد پایه نیز در صورت لزوم و جهت ابهام زدایی از حقوق و تعهدات طرفین اصلاح می شود. اما چیزی که در عمل در این مورد مشاهده می شود اینست که دولت‌های میزبان متن

منعقد شده و بر این اساس ضمانت اجرای تخلف واگذارشونده از اجرای تعهدات تعیین خواهد شد. در فارم‌اوت غیرالزام‌آور واگذارشونده اجرای عملیات مشخصی را در مقابل دریافت سهم‌الشرکه متقبل می‌شود اما ضمانت اجرایی برای تخلف از تعهدات قراردادی وجود ندارد و تنها از سهم مشارکت محروم می‌شود.

ابزار دیگری که این نوع قرارداد در اختیار واگذارکننده قرار می‌دهد اینست که قبل از واگذاری قطعی سهم‌الشرکه به واگذارشونده می‌تواند آنرا به شخص ثالثی انتقال دهد. در مقابل، در قرارداد فارم‌اوت الزام‌آور تخلف از اجرای تعهدات از سوی هر یک از طرفین می‌تواند مشمول ضمانت‌اجراهای مقرر در قرارداد فی‌مابین شود. اما در قراردادهای کنونی واگذاری که هدف آنها اختصاص ریسک‌های مراحل مختلف اجرای پروژه به اشخاص ذی‌صلاح و دست‌یابی به منابع مالی و سرمایه‌ی مورد نیاز جهت اجرای عملیات نفتی است عموماً قراردادهای فارم‌اوت به‌صورت الزام‌آور منعقد می‌شوند که طرف واگذارکننده بتواند از خلال انعقاد قراردادهای فارم‌اوت و تضامین مندرج در آنها به اهداف قراردادی خود نائل گردد [۱۴].

ت) بر مبنای مفاد قرارداد و قلمروی تعهدات واگذارشونده‌ی سهم‌الشرکه به وی اختصاص خواهد یافت؛ بدین صورت که اگر تعهد او اکتساب سهم‌الشرکه در ازای حفاری باشد واگذارشونده در صورتی که مطابق اوصاف زمین‌شناسی مقرر در قرارداد و عمق تعیین شده اقدام به حفاری و درپی آن آزمایش چاه کند مستحق دریافت سهم‌الشرکه خواهد بود؛ معمولاً اگر هدف از انعقاد قرارداد فارم‌اوت انجام فعالیت‌های اکتشافی و به‌دست آوردن اطلاعات زمین‌شناسی باشد قرارداد به احتمال بسیار زیاد به‌صورت اکتساب سهم‌الشرکه درازای حفاری بسته خواهد شد. از طرف دیگر اگر تعهد واگذارشونده اکتساب سهم‌الشرکه در ازای تولید نفت باشد، واگذارشونده در صورتی مستحق دریافت سهم‌الشرکه است که عملیات حفاری به تولید نفت با اوصاف مقرر در قرارداد منتهی گردد. لازم به‌ذکر است که یکی از عوامل اساسی در تعیین قلمروی تعهدات واگذارشونده در اهداف طرفین قراردادهای فارم‌اوت نهفته است؛ بدین صورت که اگر طرفین با هدف تولید نفت یا افزایش ضریب باز یافت نفت چنین قراردادی منعقد کنند سهم‌الشرکه با تحقق اهداف مذکور به واگذارشونده تعلق خواهد گرفت و در مقابل اگر هدف از انعقاد تنها دستیابی به اطلاعات زمین‌شناسی در منطقه‌ی قراردادی باشد تعلق سهم‌الشرکه به واگذارشونده منوط به اکتساب این اطلاعات و رعایت سایر شرایط مقرر در قرارداد خواهد بود [۱۲].

ث) شاخص مهم دیگری که در قرارداد فارم‌اوت تعیین تکلیف می‌شود تعداد چاه‌هایی است که موضوع موافقت‌نامه قرار می‌گیرند؛ در قراردادهای مرسوم منعقد شده در سال ۱۹۸۷ تنها بر حفر یک چاه توافق می‌شد [۱۲]. امروزه رویه‌ی مرسوم در این خصوص، انعقاد قرارداد با موضوع حفر چندین چاه است. مسائلی که در قراردادهای فارم‌اوت چندچاهی مورد توجه قرار می‌گیرد ممکن است حول محور موضوعاتی

موافقت‌نامه‌های فارم‌اوت را مشاهده نمی‌کنند. در صورتی که باید جهت تأیید واگذاری منافع به متن آن توجه داشته تا چنین سازوکاری مؤثر واقع شود. طرفین قرارداد فارم‌اوت در مواقعی که قرارداد فارم‌اوت پیش از اخذ رضایت دولت میزبان منعقد می‌شود ریسک ناشی از اعتراض یا رد دولت میزبان نسبت به این امر را می‌پذیرند [۶].

۱-۱- ویژگی‌های کلیدی و شاخص‌های قراردادهای فارم‌اوت

الف) به‌موجب این قراردادها یک طرف در اکتشاف، توسعه یا تولید میدان نفتی مشارکت کرده و در مقابل به میزان مشارکت در عملیات نفتی سهم‌الشرکه دریافت خواهد کرد. آورده‌ی منتقل‌الیه در این قراردادها ممکن است وجه نقد یا کالا و خدمات باشد؛ در حالی که در عوض سرمایه‌گذاری به او سهم‌الشرکه تعلق خواهد گرفت و به تناسب میزان سهم‌الشرکه و بر مبنای ماهیت قرارداد پایه در تولیدات میدان یا عواید حاصل از فروش آن سهم خواهد بود. لازم به‌ذکر است که باید بین آورده‌ی واگذارشونده و محل به کارگیری آن از یک طرف و دریافت سهم‌الشرکه از عملیاتی که در آن به‌هر نحو مشارکت کرده از طرف دیگر، وابستگی متقابل و منطقی وجود داشته باشد [۱].

ب) قراردادهای فارم‌اوت از دو جنبه با قراردادهای عملیاتی مشترک متفاوتند؛ بدین صورت که در قرارداد فارم‌اوت، یک طرف با انجام عملیات مشخص به‌دنبال تحصیل سهم‌الشرکه در عملیات نفتی است در حالی که در قرارداد عملیاتی مشترک هر یک از اعضای کنسرسیوم سهم‌الشرکه‌ی از قبل مشخص شده در عملیات نفتی دارند و تنها جهت تنظیم روابط پیمانکاری خود اعم از تأمین مالی، اجرای پروژه، مدیریت و نظارت بر عملیات اجرایی اقدام به انعقاد چنین قراردادی می‌کند. تفاوت دیگر دو قرارداد در اینست که در قرارداد فارم‌اوت واگذارشونده اقدام به اجرای تعهدات قراردادی اعم از اجرای عملیات مشخص یا تأمین مالی آنها می‌کند، در حالی که در قرارداد عملیاتی مشترک اعضای کنسرسیوم با تقسیم وظایف و بر اساس تشریفات قرارداد هر یک به‌میزان سهم‌الشرکه‌ی خود اقدام به تأمین مالی عملیات مشترک کرده و یکی از اعضا، تصدی‌گری و اجرای عملیات را برعهده می‌گیرد. از دیدگاه دیگر قرارداد عملیاتی مشترک هم می‌تواند پیش از انعقاد قرارداد فارم‌اوت باشد و هم بعد از آن؛ بدین صورت که اگر کنسرسیومی از پیمانکاران، طرف قرارداد اصلی بوده و جهت تنظیم روابط فیما بین اقدام به انعقاد یک قرارداد عملیاتی مشترک کرده باشند واگذارشونده پس از انعقاد قرارداد فارم‌اوت به‌عنوان شریک جدید به اعضای کنسرسیوم می‌پیوندد و اگر پیمانکار واحد طرف قرارداد باشد یا اگر قرارداد عملیاتی مشترک بین پیمانکاران متعدد وجود نداشته باشد ممکن است بعد از انعقاد فارم‌اوت بین شریک جدید (واگذارشونده) و واگذارکننده جهت تعیین حقوق و تعهدات و تنظیم روابط یک قرارداد عملیاتی مشترک منعقد گردد [۱۰].

پ) قراردادهای فارم‌اوت ممکن است به دو شکل الزام‌آور یا غیرالزام‌آور

مثل محدودی زمانی بین تکمیل حفاری یک چاه تا شروع حفاری چاه دیگر، الزام به آزمایش آنها، منافی است که در صورت توقف عملیات حفاری در اثر تقصیر واگذارکننده نصیب واگذارشونده می‌شود و لزوم یا عدم لزوم حفر چاه‌های دیگر باشد.

ج) نکته‌ی مهم دیگر در این قراردادها نوع منافع تحصیل شده است که به دو دسته‌ی غیرمشاع و مشاع تقسیم می‌شود. در قرارداد فارماوت غیرمشاع، واگذارکننده و واگذارشونده منافع خود را در مناطق جداگانه‌ای تحصیل می‌کنند. مثلاً اگر در نتیجه‌ی اجرای قرارداد، واگذارشونده تمامی منافع موجود در سایت حفاری را در مقابل حفاری چاه‌ها تحصیل کند حقوق واگذارکننده منحصر به سایر نواحی موجود در منطقه‌ی قراردادی خواهد بود. در مقابل ممکن است سهم متعلق به واگذارشونده مشاع تعیین شود؛ سهم مشاع ناظر به فرضی است که هر یک از طرفین قرارداد به صورت مشاع و به تناسب سهم مشارکت دارای سهم‌الشرکه در منطقه‌ی قراردادی خواهند بود بدون آنکه حقوق ایشان در این منطقه تجزیه شود؛ مثلاً فرض کنید واگذارشونده در ازای پرداخت ۷۵ درصد هزینه‌های حفاری، ۷۵ درصد سهم مشارکت را در اجرای عملیات نفتی در منطقه‌ی قراردادی کسب کرده باشد؛ در این صورت حقوق طرفین و منافع حاصل از اجرای عملیات نفتی به صورت مشترک و مشاع در کل منطقه‌ی قراردادی منتشر است [۳].

چ) شاخص‌هایی قراردادهای فارماوت زمان و اعتبار تحقق واگذاری سهم‌الشرکه است. این شاخص بر مبنای شروط قراردادهای پایه تعیین می‌شود که یکی از مهم‌ترین آن شرایط اخذ رضایت دولت میزبان است. اگر قرارداد اصلی این مورد را برای انعقاد قرارداد فارماوت ضروری بدانند عدم رعایت این شرط از سوی طرفین نه تنها منجر به عدم اعتبار قرارداد منعقد می‌گردد بلکه تمام قراردادهای بعدی آنرا نیز از اعتبار ساقط می‌کند؛ این شرط در قراردادهای بیع متقابل ایران نیز پیش‌بینی می‌شود [۳].

۱-۲- موضوعات و شروط ضروری جهت انعقاد قرارداد فارماوت

در حال حاضر تعدادی از قراردادهای استاندارد شده فارماوت در بازار استفاده می‌شود که مهم‌ترین آنها مدل قرارداد فارماوت انجمن بین‌المللی مذاکره‌کنندگان نفتی^۴ است که در سال ۲۰۰۴ منتشر شد و اکنون نیز در حال به‌روز شدن است. اگرچه این مدل‌های استاندارد شده می‌تواند مسیر مذاکرات و توافقات طرفین را آسان‌تر کند اما بدین معنی نیست که این قراردادهای تمامی ملاحظات و الزاماتی را که در قرارداد پایه پیش‌بینی شده‌اند در بر می‌گیرد. بنابراین در راستای احترام به اصل آزادی قراردادی و تحقق اهداف قرارداد پایه و قوانین و مقررات کشور میزبان (به‌خصوص جایی که موضوع قرارداد اجرای پروژه‌های نفت و گاز است) باید برخی از مفاد آنها اصلاح یا حذف شود یا در آنها تغییراتی اعمال گردد.

در این قسمت به‌اختصار به برخی از مسائل و موضوعات که در تمام قراردادهای فارماوت پیش‌بینی شده و از اجزای اساسی آن قراردادهای

محسوب می‌شوند اشاره می‌گردد:

■ **واگذاری منافع؛** در قراردادهای فارماوت منافی است که باید به واگذارشونده منتقل گردد به‌صورت دقیق مشخص می‌شود و انتقال این منافع در موعد مقرر و مورد توافق جزء تعهدات اساسی واگذارکننده محسوب می‌شود؛ در طرف مقابل نیز واگذار شونده موظف است در زمان مذکور منافع را قبول کند [۱۳].

■ **زمان انتقال منافع؛** زمان انتقال منافع در قراردادهای فارماوت معمولاً به دو صورت پیش‌بینی می‌شود: اول؛ بلافاصله بعد از انعقاد قرارداد و دوم؛ بعد از انجام تعهدات توسط واگذارشونده. مورد اخیر به Earn-in معروف است؛ زیرا در صورتی واگذارشونده مستحق دریافت منافع است که تعهدات محوله‌ی خود را به‌نحو احسن و مطلوب واگذارکننده انجام داده باشد. معمولاً واگذارشونده‌ها تمایل دارند منافع را همزمان با اجرای قرارداد دریافت کنند (البته بعد از طی مراحل مقدماتی لازم مانند اخذ رضایت دولت میزبان و ...)؛ چراکه این روش باعث می‌شود آنها از کسب منافع خویش اطمینان حاصل کرده و همچنین می‌توانند در خصوص تصمیماتی که در قرارداد عملیاتی مشترک^۵ گرفته می‌شود همزمان با انجام عملیات قرارداد فارماوت نقش بیشتری ایفا کنند. از طرف دیگر واگذارکنندگان تمایل دارند منافع را بعد از انجام تعهدات واگذارشونده به او منتقل کنند.

پیش شرط‌ها؛ اگر قرار است منافع همزمان با اجرای قرارداد به واگذارشونده منتقل شود، انجام یک‌سری پیش شرط‌های لازم برای این انتقال ضروری به نظر می‌رسد. مثلاً در اکثریت قریب به اتفاق کشورها، اخذ رضایت دولت میزبان جهت مؤثر واقع شدن این انتقال ضروری شمرده می‌شود. علاوه بر آن اگر پیش از قرارداد فارماوت قرارداد عملیاتی مشترک وجود داشته باشد به‌دلیل اینکه شرکا در فروش یا انتقال سهام شریک دیگر از حق تقدم^۶ برخوردارند اخذ رضایت سایر شرکا نیز لازم است. همچنین در شرایطی که یک یا چند شریک از حق تقدم یا برتر برخوردارند لغو یا انصراف از چنین حقی در ارتباط با طرفین قرارداد فارماوت باید به‌عنوان پیش شرط در قرارداد پیش‌بینی شود. اگر هیچ قرارداد عملیاتی مشترکی پیش از قرارداد فارماوت وجود نداشته باشد ممکن است طرفین بر سر انعقاد آن توافق کنند که این مسأله نیز باید به‌عنوان پیش شرط در قرارداد آورده شود؛ به‌هر حال جهت اطمینان بیشتر بهتر است همزمان با انعقاد قرارداد فارماوت، در خصوص مدل و چارچوب قرارداد عملیاتی مشترک هم مذاکره صورت گیرد و در نهایت هر دو قرارداد همراه یکدیگر مورد توافق و امضا واقع شوند.

در حالتی هم که قرارداد به‌صورت Earn-in منعقد می‌شود و منافع بعد از انجام تعهدات به واگذارشونده منتقل می‌گردد به‌دلیل انتقال قانونی منافع و نفوذ آن باید تمامی پیش شرط‌های مذکور انجام گردد؛ اگر چنین روشی اتخاذ شود باید مراقبت‌های لازم به‌عمل آید تا بعد از انجام تعهدات از طرف واگذارشونده انتقال منافع به او با مانعی جدی روبه‌رو نشود (مانند

دقیق حوزه‌ی کاری معمولاً به شرایط فنی، حقوقی و تجاری طرفین بستگی دارد. اگر قرارداد فارماوت شامل تعهد حفر چاه باشد باید مکان، عمق و ویژگی‌های دقیق چاه مورد نظر در قرارداد ذکر گردد (یا مکانیزم توافق در خصوص آن در قرارداد فارماوت یا عملیاتی مشترک که بین طرفین منعقد می‌شود پیش‌بینی گردد). در قراردادهای فارماوت فرجه‌ی زمانی که باید در آن تعهدات کاری انجام گردد مقرر شده و بعضاً استانداردها یا شاخص‌هایی که کارها باید بر مبنای آنها انجام شود نیز ذکر می‌گردد. در قراردادهای فارماوت معمولاً شروطی گنجانده می‌شود که حداقل تعهدات کاری را برای واگذارشونده پیش‌بینی می‌کند تا از حجم عملیات در حال انجام رضایت حاصل شود. مانند تعیین حداقل هزینه‌ای که باید واگذارشونده در شرایطی خاص متقبل شود.

۱-۳- تفاوت فارماوت با قراردادهای پشتیبانی

قراردادهای دیگری نیز در زمینه‌ی حفاری یا منافع میدان نفتی در صنعت نفت و گاز رایج است که مبنای شکل‌گیری آنها همکاری یا الانیس غیرمشارکتی است؛ این قراردادها که جهت ایجاد انگیزه برای پیمانکار حفاری در حفاری چاه‌های نفت و گاز منعقد می‌شوند، قراردادهای پشتیبانی یا قراردادهای همکاری نامیده می‌شوند؛ بر مبنای این قراردادها صاحب مجوز یا طرف قرارداد نفتی بین‌المللی خود اقدام به حفر چاه می‌کند؛ بدون آنکه این عمل را به شخص دیگری واگذار کند. طرف دوم با تأمین مالی از این عمل حفاری پشتیبانی می‌کند یا این کار را از طریق منفعی که از سایر مناطق تحت کنترل خود کسب می‌کند انجام می‌دهد [۶]؛ قراردادهای مزبور بر حسب موضوع عملیات و هدف طرفین قرارداد به سه نوع عمده تقسیم می‌شوند:

■ قراردادهای پشتیبانی می‌تواند به شکل موافقت‌نامه‌ی حفاری چاه خشک منعقد شود که بر اساس آن یکی از طرفین، تأمین منابع مالی مورد نیاز برای حفاری چاه توسط طرف دیگر را بر عهده می‌گیرد و در مقابل داده‌های زمین‌شناسی و اطلاعات ناشی از عملیات حفاری را از پیمانکار حفاری دریافت خواهد کرد؛ اعم از اینکه عملیات حفاری موفقیت‌آمیز بوده و به کشف چاه نفتی انجامیده باشد یا چاه حفاری شده خشک باشد.

■ قراردادهای پشتیبانی همچنین می‌تواند در قالب موافقت‌نامه‌ی حفاری چاه تا عمقی مشخص منعقد شود که بر مبنای این نوع از موافقت‌نامه، یکی از طرفین تأمین منابع مالی مورد نیاز برای حفاری چاه توسط طرف دیگر و تا عمقی مشخص را در مقابل دریافت داده‌های زمین‌شناسی و اطلاعات حفاری بر عهده می‌گیرد.

■ نوع دیگری از قرارداد پشتیبانی قرارداد مشارکت در منافع میدان است که شبیه به قرارداد چاه عمیق است. با این تفاوت که در این نوع از قراردادها یکی از طرفین که امتیاز اکتشاف و استخراج میدان نفتی را دارد طرف دیگر را در مقابل حفاری چاه و دریافت داده‌های زمین‌شناسی و اطلاعات حفاری از او در منافع میدان شریک می‌کند؛ در این نوع قرارداد

مخالفت شرکای قرارداد عملیاتی مشترک یا عدم رضایت دولت میزبان به این انتقال). در بریتانیا واگذارکننده‌ها اصولاً به دلیل رفع موانع مذکور از سازمان انرژی و تغییرات آب و هوایی درخواست می‌کنند که با این انتقال موافقت نماید. این سازمان هم برای اینکه بتواند تصمیم مناسبی در این خصوص اتخاذ کند اطلاعات کافی از این واگذاری درخواست می‌کند. به هر حال اخذ موافقت سازمان مذکور به طرفین اطمینان می‌دهد که برای انتقال منافع بعد از انجام تعهدات توسط واگذارشونده مانعی از طرف آن سازمان وجود نخواهد داشت.

قراردادهای فارماوت معمولاً مدتی را که طی آن باید پیش شرط‌های لازم در آن تحقق یابد به صورت مضبوط مشخص می‌کنند و اگر در موعد مقرر شرایط و فرآیندهای لازم انجام نشود بسته به موضوع، طرفین حق فسخ قرارداد را خواهند داشت. متعاقب فسخ قرارداد باید سازوکاری برای بازپرداخت هزینه‌هایی که تا آن زمان واگذارشونده در راستای انجام عملیات متقبل شده مشخص گردد.

■ مالکیت منافع؛ لازم است در قراردادهای فارماوت مشخص شود که قرار است چه نوع منفعی از قرارداد پایه به واگذارشونده منتقل شود. همچنین باید این مسئله در قرارداد عملیاتی مشترکی که بین طرفین منعقد می‌شود یا قبلاً بین شرکا وجود داشته پیش‌بینی شود و اگر لازم است در این خصوص و متناسب با اهداف جدید، اصلاحاتی در قرارداد صورت گیرد.

■ هدف یا اهداف اصلی؛ دلیل اصلی واگذارکننده در یک قرارداد فارماوت می‌تواند تأمین مالی بخشی از پروژه، انتقال بخشی از تعهدات پروژه‌ی اصلی (مثلاً انجام عملیات لوزه‌نگاری یا حفاری یک یا چند چاه) به واگذارشونده، دسترسی به بازار، به دست آوردن ذخایر، تقسیم ریسک، حفظ قرارداد پایه، اکتشاف و ارزیابی یا ترکیبی از اینها باشد [۱۲]. مدل پیشنهادی ۲۰۰۴ انجمن بین‌المللی مذاکره‌کنندگان نفتی هر دو نوع را در بر می‌گیرد؛ یک مدل برای زمانی که موضوع و هدف قرارداد انجام بخشی از تعهدات قرارداد اصلی است و یک مدل برای زمانی که موضوع پرداخت نقدی یا تأمین مالی است. با این وجود موضوع قراردادهای فارماوت به این دو مورد محدود نمی‌شود و تنوع زیادی دارد. اما به هر حال هر موضوع یا هدفی که به دلیل آن قرارداد فارماوت منعقد می‌شود باید به صورت مشخص و دقیق در قرارداد ذکر شود [۱۳].

زمانی که تعهد واگذارشونده‌ی تأمین مالی قسمتی از پروژه باشد، ممکن است قرارداد بر مبنای پرداخت قسمتی از تعهدات مالی واگذارکننده منعقد شود (مثلاً برای آن سقف در نظر گرفته می‌شود یا عنوان می‌کنند که واگذارشونده باید طی زمان و تحت شرایط خاصی مبلغی بپردازد؛ مانند رسیدن به تولید اولیه).

اگر تعهد واگذارشونده، انجام بخشی از پروژه باشد باید جزئیات و حد و حدود آن مشخص شده و تعریف دقیقی از آن به عمل آید؛ بدین ترتیب طرفین از اختلافاتی که ممکن است در آینده در خصوص اینکه آیا تعهدات به صورت کامل انجام شده یا خیر جلوگیری می‌کنند. تعریف

حق الزحمه و هزینه پیمانکار حفاری به جای پرداخت نقدی به صورت منافع و تولیدات میدان مستهلک می شوند. بنابراین قراردادهای پشتیبانی که موجب پیشرفت فعالیت‌های اکتشاف و توصیفی منطقی مشخص می شوند کاملاً شبیه قراردادهای فارماوت هستند و اغلب در مراحل امکان‌سنجی و ارزیابی اقتصادی و فنی پروژه و تأمین وجوه مورد نیاز در آنها در قبال دریافت اطلاعات حاصل از فرآیند ارزیابی صورت می‌پذیرد. اما نقش طرفین برعکس است؛ بدین صورت که طبق قراردادهای پشتیبانی، حفاری چاه به وسیله صاحب فعلی حقوق مشارکتی در قرارداد نفتی بین‌المللی یا اجاره انجام می‌شود. در حالی که طرف دوم منابع مالی را تأمین می‌کند. اگر طرفی که تأمین مالی بر عهده‌ی اوست اطلاعات مفیدی از چاهی که توسط طرف اول حفر شده به دست بیاورد ممکن است پیشنهاد انعقاد یک قرارداد فارماوت را بدهد. به عبارت دیگر در قراردادهای فارماوت یک طرف منفعی را در زمین طرف دیگر به دست آورده و در آن زمین مبادرت به انجام عملیات نفت و گاز می‌کند. در حالی که در قراردادهای پشتیبانی طرفی که اطلاعات را می‌فروشد این اطلاعات را در نتیجه‌ی عملیات نفتی در زمین خود به دست آورده است [۲].

۱-۴- منافع یا حقوق غیرمشارکتی

یک شرکت نفتی که مالک حقوق یا منافع مشارکتی (عملیاتی) در یک قرارداد نفتی است می‌تواند اشکال دیگری از منافع را ایجاد کند که به آنها منافع یا حقوق غیرمشارکتی اطلاق می‌شود. این منافع کاملاً متمایز از منفعی است که تحت تملک سهام‌داران یک قرارداد نفتی بین‌المللی، یک قرارداد عملیاتی مشترک یا قرارداد فارماوت است. مثلاً دارنده‌ی حقوق اکتشافی یا تولیدی در یک قرارداد امتیازی، اجاره، مشارکت در تولید یا یک مجوز، ممکن است به تریق منابع مالی و سرمایه‌ی نقدی برای انجام حفاری در منطقه‌ی قراردادی نیاز داشته باشد. این شخص ممکن است جهت تأمین چنین سرمایه‌ای حق بهره‌ی مالکانه‌ی بالاسری خود را به شخص ثالثی بفروشد. البته اگر دولت میزبان چنین اجازه‌ای را به وی بدهد. در این حالت شخص ثالث درصدی از هزینه‌های تولیدات را تقبل خواهد کرد. صاحب حقی که با کمبود وجه نقد مواجه شده ممکن است سود خالص منافع خود را که معادل درصدی از سهم سود خالص عملیاتی پروژه نفتی است، جهت تأمین منابع مالی به شخص ثالث بفروشد. محاسبه‌ی منافع خالص باید با دقت توسط طرفین قرارداد جهت مشخص کردن هزینه‌ها یا سایر موارد مانند بهره‌ی مالکانه صورت گیرد تا روشن شود کدامیک از هزینه‌ها قابل قبول یا جزء کسورات قانونی هستند و باید از درآمد کسر گردند. حق مشارکت در سود خالص تنها در صورتی که درآمد پروژه از هزینه‌های آن بیشتر باشد به شخص ثالث اجازه‌ی باز یافت هزینه‌ها را می‌دهد. لازم به ذکر است که چه پروژه سودآور باشد چه نباشد شخص ثالث باید به تعهدش مبنی بر تأمین منابع مالی پروژه عمل کند؛ این شخص همچنین می‌تواند وجوه را به صورت پیش‌پرداخت به مالک حقوق

عملیاتی تحویل دهد و آن وجوه را به همراه نرخ بهره و صرف ریسک مورد نظر خود تنها از محل فروش سهم دارنده‌ی حق تولید باز یافت کند (صرف ریسک مورد نظر یا پاداش تحمل ریسک وجهی است که دارنده‌ی حق عملیاتی به دلیل تقبل ریسک مازاد بر اصل و فرع سرمایه، به سرمایه‌گذار پرداخت می‌کند و به آن انتظار سرمایه‌گذار از افزایش در بازده به میزان تقبل ریسک بیشتر هم گفته می‌شود). در چنین حالتی به صاحب اصلی حق در قرارداد اصلی، انتقال‌دهنده‌ی حق عملیاتی گفته می‌شود که اگر تولیدی حاصل نشود هیچ تعهدی به بازپرداخت هزینه‌ها و سرمایه‌ها نخواهد داشت و به شخصی که تأمین منابع مالی پروژه را در ازای حق مشارکت در سود خالص متقبل می‌شود انتقال‌گیرنده گفته می‌شود. هیچ‌یک از این قراردادها حق مشارکتی (طبق یک قرارداد عملیاتی مشترک یا یک قرارداد نفتی بین‌المللی) ایجاد نمی‌کند یا مالک جدیدی برای منافع کاری معرفی نمی‌کند.

۱-۵- تفاوت فارماوت با قراردادهای خرید و فروش منافع

■ **ملاحظات؛** در قراردادهای خرید و فروش ملاحظات و هدف طرفین از انعقاد قرارداد معمولاً پول یا بر خورداری از نقدینگی کافی است. اما در قراردادهای فارماوت هدف اولیه و اصلی انجام بخشی از تعهدات قراردادی یا تأمین منابع مالی مورد نیاز بخشی از عملیات است [۱۳].

■ **انتقال بخشی از منافع؛** در قراردادهای خرید و فروش، فروشنده ممکن است تمامی منافع خود در قرارداد را به خریدار بفروشد. اما در قراردادهای فارماوت واگذارکننده اغلب تنها بخشی از منافع قراردادی خود را به واگذارشونده انتقال می‌دهد

■ **زمان بندی؛** در قراردادهای خرید و فروش به ندرت اتفاق می‌افتد که فروشنده انتقال منافع را مشروط به پرداخت هزینه‌ی آن از طرف خریدار کند. اما در قراردادهای فارماوت معمولاً واگذارکننده منافع را بعد از انجام تعهدات واگذارشونده و اتمام قرارداد فارماوت به او منتقل می‌کند

■ **تفاوت اعمال این قراردادها در مراحل توسعه‌ی میدان؛** قراردادهای خرید و فروش می‌توانند در هر یک از مراحل توسعه‌ی میدان از اکتشاف تا تولید منعقد شوند. اما قراردادهای فارماوت معمولاً در مراحل اکتشاف، توصیف و توسعه استفاده می‌شوند و دیگر به مرحله تولید وارد نمی‌شوند.

۲- الزامات انعقاد قراردادهای فارماوت

به‌طور کلی دلایل و الزامات انعقاد قراردادهای فارماوت هم می‌تواند اقتصادی و مالی باشد و هم زمین‌شناسی و فنی؛ یک شرکت نفتی بین‌المللی طرف قرارداد اصلی ممکن است توانایی و امکانات اکتشافی و توصیفی خود را در جاهای دیگر به کار گرفته یا ممکن است توانایی مالی کافی برای انجام این امور را نداشته باشد. در این حالت از طریق انعقاد یک قرارداد فارماوت، شرکت نفتی بین‌المللی به‌عنوان واگذارکننده، بخشی از حقوق و منافع قراردادی خود را از طریق انتقال بخشی از منافع و حقوق مشارکتی

واگذارشونده شرایط مقرر شده در یک قرارداد نفتی اصلی و عملیاتی مشترک را قبول کرده و تا زمانی که در منافع قرارداد فارماوت مشارکت دارد خود را ملزم به رعایت آنها می‌کند [۶].

برخی مراحل یا شرایط مقدماتی دیگری که معمولاً باید پیش از انجام واگذاری رعایت شود به قرار زیر است:

■ اخذ موافقت دولت میزبان به همان کیفیتی که مدنظر قرارداد اصلی است.

■ اخذ مجوز مبنی بر حق اسقاط هر گونه حقوق ترجیحی سایر اعضا از قبیل طرفین قرارداد عملیاتی مشترک با هدف جلوگیری از کسب منافع انتقال داده شده؛ با وجود این برخی از قوانین و مقررات نفتی دولت میزبان مقرر می‌کند که شرکت ملی نفت آن کشور حق خرید هر گونه منفعتی که پیشنهاد انتقال آن داده شده را دارد.

اگر شرایط مقدماتی در تاریخی که در قرارداد فارماوت تصریح شده رعایت نگردد علاوه بر اینکه هر یک از طرفین حق فسخ قرارداد را دارند واگذارشونده نیز نمی‌تواند هیچگونه منفعتی را چه از طریق سند واگذاری و چه در خلال قرارداد اصلی نفتی کسب کند.

اگر قرارداد فسخ شود واگذارکننده معمولاً ملزم می‌شود که طبق شرایط موجود تمامی هزینه‌های پرداخت شده توسط واگذارشونده را بازپرداخت کند. طرفین ممکن است مقرر کنند که اگر دولت میزبان در آینده شرایط محدودکننده و سخت‌تری را بر طرفین تحمیل کرد حق فسخ قرارداد را خواهند داشت. دولت‌های میزبان معمولاً در قراردادها مقرر می‌کند که هیچ انتقال منفعتی بدون اخذ موافقت از دولت میزبان یا شرکت‌های نفتی مورد قبول آنها معتبر نخواهد بود. دولت‌های میزبان به‌نحو ویژه و قابل توجهی به شهرت، امکانات و توانایی شرکت‌های نفتی بین‌المللی (یا شرکت‌های ملی نفت سایر کشورها) که با واگذاری اکتشاف، ارزیابی، توصیف و بهره‌برداری منابع معدنی خود از حضور فعالانه‌ی آنها بهره‌مند می‌شوند توجه داشته و آن مهارت‌ها و ویژگی‌ها را جهت تأیید یا رد آنها ملاک عمل قرار می‌دهند. به‌علاوه، دولت‌های میزبان از این ایده که حقوق اعطا شده‌ی نفتی و گازی باید انحصاری باشد حمایت نمی‌کنند و انتظار دارند در مواقعی که یک قرارداد نفتی اصلی منعقد می‌کند نظارت بسیاری بر آن داشته باشند بدون اینکه سهمی برای واسطه‌ها که معمولاً به‌دنبال اکتساب منفعت از طریق فروش یا انتقال منافع توسط انعقاد قراردادهایی نظیر فارماوت هستند در نظر بگیرند.

بنابراین احتمال بروز کشمکش‌هایی بین دولت میزبان و شرکت نفتی بین‌المللی به‌دلیل وابستگی توانایی شرکت‌های درگیر در پروژه در تأمین مالی به انتقال بخشی از منافع خویش به دیگری وجود دارد.

فرم استاندارد قرارداد عملیاتی مشترک نیروژ به بیان برخی از این موضوعات به این صورت می‌پردازد: طرف قرارداد تا زمانی که برنامه‌ی کاری الزام آور و حداقل تعهدات کاری انجام نشده، حق واگذاری نخواهد داشت. کشور نیروژ جهت کاهش جنبه‌ی انحصاری انتقال، هر

در مقابل انجام عملیات اکتشافی یا توصیفی مشخص و در محدوده‌ی زمانی مقرر با رعایت شروط قرارداد پایه به طرف واگذارشونده محول می‌کند؛ همچنین بدین دلیل که ممکن است دیدگاه‌های زمین‌شناسان متفاوت باشد و شرکت‌های نفتی بین‌المللی نیز خواهان کسب اطلاعات بیشتر درباره‌ی آینده‌ی یک پروژه هستند نیز قراردادهای فارماوت مفید به‌نظر می‌رسد؛ چراکه اکثر پیش‌بینی‌ها و برآوردها در خصوص آینده‌ی یک پروژه برای توجیه عملیات و هزینه‌های پروژه‌ی مربوطه کافی به مقصود نیست. مثلاً یک شرکت نفتی بین‌المللی که در عملیات یک منطقه‌ی قراردادی مجاور شرکت می‌کند ممکن است لرزه‌نگاری یا دیگر اطلاعات مرتبط با آن منطقه را با یک قرارداد بین‌المللی دیگر پوشش دهد زیرا منطقه‌ی قراردادی در یک میدان یا مخزن مشترک واقع شده است. علاوه بر اینکه شرکت نفتی بین‌المللی به‌عنوان واگذارشونده از قرارداد فارماوت منتفع می‌شود اجازه می‌یابد اطلاعات لرزه‌نگاری و منافع اضافی دیگری را نیز در منطقه‌ی مجاور به‌دست آورد.

پیشنهاد انعقاد قراردادهای فارماوت در صورت تجویز دولت میزبان ممکن است توسط برنده‌ی مناقصه پس از اینکه امتیاز انعقاد یک قرارداد نفتی بین‌المللی را به‌دست آورد ارائه و به قرارداد اصلی ضمیمه شود. در اکثر مواقع دولت میزبان تا زمانی که حداقل تعهدات کاری و اکتشافی قراردادی توسط طرف قرارداد انجام نشود اجازه‌ی انعقاد قراردادهای فارماوت را نمی‌دهد یا انعقاد آنها را با یک‌سری از محدودیت‌ها مواجه می‌کند؛ زیرا شخصیت فنی، مالی و فن‌آوری پیمانکار اصلی برای دولت صاحب منابع از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. برنده‌ی مناقصه ممکن است در صورت اجازه‌ی دولت میزبان پیشنهاد زودهنگام انعقاد قرارداد فارماوت را به شرکت‌هایی که در فرآیند مناقصه‌ی قرارداد اصلی نفتی برنده نشده‌اند عرضه کند.

۳- شرایط انعقاد قراردادهای فارماوت

در اغلب نمونه قراردادهای فارماوت در بند مربوط به واگذاری به روشنی بیان می‌شود که انتقال منافع مشارکتی مشروط به رعایت شرایط مقدماتی است که طبق آن واگذارشونده باید مراحل مقدماتی مربوطه را به‌صورت کامل و با موفقیت طی کند. نکته‌ی مهمی که باید بدان توجه شود اینست که قرارداد فارماوت به‌تنهایی برای انجام عمل واگذاری کافی نیست و واگذاری معمولاً سندی است که به قرارداد فارماوت به‌صورت پیوست ضمیمه می‌شود و تنها زمانی این قرارداد نافذ و قابل اجرا خواهد بود که مراحل مقدماتی با موفقیت گذرانده شود. به‌دلیل تأکید فراوان به استفاده از این شرایط مقدماتی، مدل فارماوت انجمن بین‌المللی مذاکره‌کنندگان نفتی و همچنین سایر مدل‌های فارماوت یک دور هم وقتی انتظار را در قراردادهای خویش تعریف می‌کنند که از تاریخ اجرای قرارداد بین واگذارکننده و واگذارشونده آغاز شده و تا تاریخ تصویب یا رد شرایط مقدماتی از جانب دولت میزبان ادامه یابد. در طول این دوره

یک از طرفین که متمایل به واگذاری کلی یا جزئی سهم خود از قرارداد است را ملزم می‌کند که در وهله‌ی اول شرایط مربوطه و اوضاع و احوال را به وزیر ذیصلاح اطلاع دهد. سپس دولت نروژ چهار روز برای خرید و کسب منافع پیشنهاد شده زمان دارد. در قراردادهای عملیاتی مشترکی که اخیراً در نروژ منعقد شده، این حق انحصاری دولت حذف شده است. طرفین قرارداد فارماوت می‌توانند بر سر موضوعات مقدماتی دیگری نیز توافق کنند؛ مانند انجام ارزیابی زیست‌محیطی در منطقه‌ی قراردادی یا مذاکره بر سر انعقاد قراردادهای عملیاتی مشترک دوجانبه که ممکن است در نتیجه‌ی آن واگذارشونده‌ی جدیدی به‌عنوان طرف قرارداد اضافه شود. معمولاً هم واگذارکننده و هم واگذارشونده متقابلاً موافقت می‌کنند که به‌صورت معقول از تمام امکانات تجاری خود جهت رعایت شرایط مقدماتی مرتبط با واگذاری قرارداد از طریق فارماوت بهره‌گیرند و هیچ‌یک از مقررات و دستورالعمل‌های موجود در قرارداد اصلی یا متعاقب آن در فارماوت را نقض نکنند.

قراردادهای فارماوت اغلب حاوی شروطی هستند که دربرگیرنده‌ی دستورالعمل‌ها و مقررات مختلف است؛ تعهدات مالیاتی، حفظ محرمانگی اطلاعات، قوه‌ی قاهره، قانون حاکم، حل و فصل اختلاف و نمونه‌هایی از این مقررات هستند. این شروط معمولاً در هر قراردادی به‌عنوان شروط مرجع و استاندارد جهت جلوگیری از بروز اختلاف یا تفسیر حقوق و تعهدات طرفین گنجانده می‌شود. ویژگی منحصر به فرد مدل قراردادهای فارماوت انجمن بین‌المللی مذاکره‌کنندگان نفتی اینست که چندین بخش مرتبط با این مسائل کاملاً همسان و همانند با مواردی هستند که در مدل قراردادهای عملیاتی مشترک انجمن مذکور آورده شده است.

۴- انواع قراردادهای فارماوت

قراردادهای فارماوت یکی از چند روش مورد استفاده جهت انتقال منافع در یک قرارداد نفتی بین‌المللی است؛ برخی از این ابزارهای قراردادی اگرچه اشتباً بدین نام استفاده می‌شوند اما در واقع متفاوت از قراردادهای فارماوت هستند. زمانی می‌توان به مبادله‌ای نام فارماوت نهاد که از طریق آن شخصی به‌نام منتقل‌الیه یا واگذار شونده در ازای تقبل هزینه‌های تأمین منابع مالی برای اجرای عملیات مشخص، حق مشارکت مستقیم و مداوم را در عملیات اکتشاف یا توسعه‌ی منطقه قراردادی به‌دست می‌آورد. هدف واگذارشونده از انعقاد چنین قراردادی اینست که هم عرض صاحب امتیاز، صاحب مجوز یا پیمانکار تحت پوشش یک قرارداد اصلی بین‌المللی قرار گیرد که هم تعهدات کاری را انجام دهد (مانند حفاری یک چاه یا بیشتر) و هم مبلغی پول را جهت ایفای تعهدات کاری مقرر در قرارداد صرف کند. بدون در نظر گرفتن این ویژگی منحصر به فرد چنین قراردادی یک قرارداد فروش منفعت است نه فارماوت؛

قراردادهای فارماوت را می‌توان در مرحله‌ی اکتشاف، ارزیابی، توسعه یا تولید نیز استفاده کرد؛ در قراردادهای فارماوت اکتشافی واگذارشونده

متقبل می‌شود حجم مشخصی از فعالیت‌های لرزه‌نگاری، عملیات اکتشافی یا حفاری یک یا چند چاه را انجام دهد که به آن حداقل تعهد حفاری یا حفار حداقل چاه مورد نیاز برای دریافت حق الزحمه نیز فاصله اطلاق می‌شود. لازم به‌ذکر است در مرحله‌ی اکتشاف قراردادهای نفتی که به‌درستی به گریه‌ی وحشی تعبیر شده، شرکت‌های اصلی طرف قرارداد تمایل زیادی به واگذاری حقوق عملیاتی خود به واگذارشونده در میدان تحت پوشش قرارداد ندارد؛ (به‌ویژه به‌صورت غیرمشرط در میادینی که تولید در آنها موفقیت‌آمیز باشد و اینکه از حق عملیاتی و مشارکتی خود در انجام عملیات نفتی کاملاً صرف‌نظر کنند) و در اکثر موارد فارماوت را با حق استرداد منافع منتقل شده منعقد می‌کنند. همچنین در پروژه‌هایی که موضوع آنها بعد از عملیات اکتشاف تا قبل از مرحله‌ی توسعه است واگذارکننده در خصوص واگذاری مراحل حساس و شاه‌کلیدی پروژه بسیار محتاط عمل می‌کند. در عوض، طرف قرارداد بیشتر متمایل به واگذاری آن میادینی است که در حاشیه قرار گرفته و در پی کسب اطلاعات مفید از آنها جهت مکان‌یابی دقیق نخستین میدان برای توسعه و تولید است [۱۴].

فارماوت توصیفی یا ارزیابی زمانی اتفاق می‌افتد که شرکای درگیر در عملیات احتمال می‌دهند در منطقه‌ی تحت پوشش قراردادی، نفت و گاز وجود دارد. تعهد کاری واگذارشونده در این نوع قرارداد تعیین اندازه و ابعاد، تجاری بودن یا نبودن نفت و گاز و حفاری یک یا چند چاه توصیفی با ویژگی‌های زمین‌شناسی خاص است؛ گاهی اوقات سازوکاری طراحی می‌شود که به انتقال‌گیرنده این حق را می‌دهد که در صورت مواجهه با شرایط دشوار عملیات حفاری را ترک کرده و به‌جای آن چاه جایگزین دیگری حفر نماید. معمولاً قراردادهای فارماوت در مرحله‌ی ارزیابی و امکان‌سنجی نسبت به قراردادهای فارماوت در مرحله‌ی اکتشاف پیچیدگی بیشتری دارند و بر تعداد چاه‌های بیشتری تمرکز می‌کنند [۱۳].

قراردادهای فارماوت توسعه شامل تمامی اقدامات مورد نیاز برای بهره‌برداری از یک مخزن و تولید نفت یا گاز است. در این حالت، زمانی که مشخص شود یک کشف در مقادیر تجاری یا اقتصادی تحقق یافته، دارنده‌ی اصلی حقوق عملیاتی معمولاً به‌دنبال دیگر روش‌های تأمین مالی توسعه‌ای است که مستلزم انتقال منفعت خالص در مرحله‌ی تولید نیست. در طول مدت‌زمان تولید یا بهره‌برداری از میدان ممکن است قراردادهای فارماوت به‌ویژه با شرکت‌های کوچک‌تری که علاقمند به شرکت در پروژه‌هایی هستند که با کاهش تولید مواجه شده‌اند منعقد گردد.

۵- کارکردهای قراردادهای فارماوت و انگیزه‌های طرفین از انعقاد آن

قراردادهای فارماوت در طول زمان تغییرات زیادی به خود دیده‌اند؛ قراردادهای فارماوت اولیه عموماً بسیار مختصر و ساده بود اما امروزه این قراردادها بسیار پیچیده‌تر و روند انعقاد آنها نیز مشکل‌تر شده است. یکی از محققان قراردادهای فارماوت امروزی را به فارماوت‌های چاق تعبیر

کشف باشد و اگذار نماید. با انعقاد این قرارداد و اگذار کننده که ممکن است یک شرکت نفتی بین‌المللی باشد در مقابل از دست دادن بخشی از منافع و سهام خود، انجام تعهدات و تقبل ریسک را با شخص ثالث شریک شده و علاوه بر آن موجب تزریق سرمایه‌ای تازه به کل پروژه می‌شود.

ب) قرارداد فارماوت به‌عنوان یک ابزار کسب سود و منفعت؛ انگیزه‌ی دیگری که ممکن است برای واگذار شونده وجود داشته باشد این است که او منافی را که ریشه در قرارداد اصلی دارد از طریق انعقاد یک قرارداد فارماوت با واگذار کننده که طرف اصلی قرارداد است دریافت می‌کند و این مسأله‌ای است که در شرایط عادی امکان تحصیل آن وجود نداشته یا بسیار مشکل است یا در بعضی از مواقع مشوق واگذار شونده ممکن است تنها استفاده از توانایی نیروهای انسانی فنی و متخصص خویش و حفظ آنها باشد [۱۸].

پ) قرارداد فارماوت به‌عنوان یک ابزار تقسیم ریسک و مدیریت هزینه‌ها

ت) قرارداد فارماوت به‌عنوان یک سازوکار انتقال فن آوری و کسب دانش فنی

ث) قرارداد فارماوت به‌عنوان یک ابزار جهت دخالت دادن شرکت‌های محلی دولت میزبان در اجرای پروژه و افزایش توانمندی و ظرفیت‌سازی آنها

ج) قرارداد فارماوت به‌عنوان ابزار تسهیل اجرای عملیات نفتی و کسب اطلاعات زمین‌شناسی

دلایل بالا از موارد اصلی الحاق به یک قرارداد فارماوت و در خلال آن انجام عملیات نفتی یا تأمین مالی آنهاست که موجب افزایش انگیزه واگذار شونده و واگذار کننده به انعقاد این قرارداد می‌شود [۱۵].

۶- تعهدات طرفین در قراردادهای فارماوت و ضمانت اجرای عدم انجام آنها

۶-۱- تعهدات واگذار شونده و امور مربوط به وی

کارهای عملیاتی که باید توسط واگذار شونده در راستای بند تحصیل منفعت انجام شود معمولاً از قرار زیر است [۳]:

- انجام عملیات لرزه‌نگاری و تحلیل و بررسی داده‌های حاصل از آن
- حفر چاه اکتشافی با عمق مشخص جهت آزمایش منطقه در ناحیه‌ی مورد توافق
- اجرای برنامه‌ی کاری که به قرارداد فارماوت به‌صورت پیوست ضمیمه شده است

قراردادهای فارماوت اغلب حاوی شروطی است که به واگذار شونده امکان می‌دهد سود مشخصی را در ازای هزینه کردن مبالغ معین و انجام عملیات مورد توافق در محدوده‌ی مشخص دریافت کند حتی اگر کار به اتمام نرسیده باشد. بنابراین چنین شروطی ریسک واگذار شونده را به‌نحو قابل توجهی پوشش می‌دهد. اگر واگذار شونده‌ای که متعهد به حفاری

کرده و با وجود اینکه بزرگ‌تر از قراردادهای سابق شده‌اند اما کماکان با مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنند. این فارماوت‌های چاق در قالب سنتی خود منعقد نمی‌شوند بلکه بیشتر به‌عنوان قراردادهای مشارکتی، موافقت‌نامه‌های اکتشاف یا مشارکت در سرمایه‌گذاری جهت تفکیک بین مدل‌های جدید با نمونه‌های سابق شناخته می‌شوند. هنوز هم عوامل و عناصری کلیدی که در قراردادهای سابق موجود بود در مدل‌های امروزی هم یافت می‌شود. در فضای کنونی، تمایل غول‌های نفتی بیشتر به سمت‌وسوی واگذاری قراردادهای نفتی پایه از طریق انعقاد قراردادهای فارماوت پیش می‌رود تا حفظ یکپارچگی قراردادهای پایه؛ این امر به‌ویژه زمانی که قرارداد اصلی منعقد یک منطقه‌ی وسیع را پوشش می‌دهد و تعهد شرکت نفتی بین‌المللی مرحله‌ی اکتشاف را نیز دربر می‌گیرد نمود بیشتری می‌یابد؛ از این‌رو شرکت‌های نفتی از قراردادهای فارماوت جهت کسب بیشتر اطلاعات زمین‌شناسی و کاهش ریسک در مراحل اولیه و ابتدایی عملیات استفاده می‌کنند. قراردادهای امروزی فارماوت هم‌زمان با اینکه پوشش مناسبی برای مدیریت ریسک‌های موجود در عملیات محسوب می‌شوند بسیاری از نکات کلیدی قراردادهای سابق را نیز دربر می‌گیرند. بنابراین قراردادهای فارماوت معاصر دربرگیرنده‌ی شروطی هستند که اجرای تعهدات قراردادی و سایر الزامات اجرایی را تضمین کرده و به حفظ محیط زیست نیز پایبند هستند؛ از طرف دیگر مکانیزم‌های تخفیفی و تسویقی نیز دارند و بعضاً واگذار شونده را به ارائه‌ی سپرده و تضمین مالی و بعضاً افتتاح حساب امانی خارجی با هدف تضمین اجرای تعهدات محوله به وی ملزم می‌کنند. فرآیند انعقاد قراردادهای فارماوتی که موضوع آنها حوزه‌های نفتی وسیعی است در ابتدا از طریق یک تفاهم‌نامه‌ی کلی که در آن رؤس توافقات نوشته می‌شود آغاز گردیده و نسبت به مدل‌های سنتی خود چندوجهی‌تر بوده و روند مذاکره‌ی پیچیده‌تری دارند.

به‌طور کلی موضوع فارماوت‌های سنتی و ساده معمولاً حفاری یک یا چند چاه بود و به‌همین دلیل انگیزه و دلایل واگذار کننده عموماً یا عدم توانایی مالی جهت حفر چاه و در اختیار نداشتن دکل مناسب یا نداشتن اطلاعات و اطمینان کافی از منطقه‌ی اکتشافی جهت صرف هزینه‌ی حفاری در آن بود. اما امروزه با پیچیده‌تر شدن فعالیت‌ها موضوع این قراردادها هم دستخوش تحولات فراوان گردیده و انگیزه‌های طرفین جهت انعقاد آن گسترده‌تر و متنوع‌تر شده که برخی از آنها از قرار زیر هستند [۵]:

الف) قرارداد فارماوت به‌عنوان یک ابزار جایگزین تأمین سرمایه؛ عموماً دلیل پذیرفتن ریسک ناشی از ورود به قراردادهای فارماوت بستگی به طرفین قرارداد و تمایلات آنها دارد. اما به‌رحال مبنای اصلی و مشوقی که در ورای انعقاد اکثر قراردادهای فارماوت وجود دارد تأمین مالی پروژه است. مثلاً یک واگذار کننده ممکن است به این نتیجه برسد که ریسک تأمین منابع مالی در مرحله‌ی اکتشاف از یک منطقه در یک پروژه‌ی اکتشافی و تولید زیاد است و در نتیجه تصمیم بگیرد تا بخشی از کار را به شخص ثالثی که ممکن است یک شرکت متخصص در امر

و قرارداد در این دوره هنوز نافذ نشده) اما واگذار شونده ملزم به رعایت موارد بالاست. قرارداد فارم‌اوت ممکن است واگذار کننده را ملزم کند پیش از اتخاذ تصمیم بر مبنای قرارداد اصلی یا عملیاتی مشترک طی این مدت، با واگذار شونده مشورت کند. البته در مدل قراردادهای فارم‌اوت انجمن بین‌المللی مذاکره کنندگان نفتی شرط جایگزینی وجود دارد که به واگذار کننده اختیار می‌دهد پس از مشورت با واگذار شونده به جای او تصمیم‌گیری کند و رأی دهد [۶].

اگر واگذار شونده نتواند وظیفه‌ی اختصاصی خود را به موقع انجام دهد مرتکب تخلف شده است؛ مگر اینکه در قرارداد عملیاتی مشترک ترتیب دیگری برای این مورد مقرر شده باشد؛ مثلاً واگذار شونده باید مبلغی پول یا منافع را در ازای کار انجام نشده بپردازد. علاوه بر این، واگذار کننده می‌تواند واگذار شونده را به استرداد تمامی منافع منتقل شده به وی ملزم کند. ممکن است در قرارداد فی‌مابین چنین مقرر شود که این استرداد منافع برای واگذار کننده هزینه‌ای در پی نداشته باشد؛ اگرچه طرفین می‌توانند بر سر بازپرداخت مقداری از هزینه‌ها که واگذار شونده متحمل شده، به توافق برسند.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد به دلیل پیچیدگی‌ها و مشکلاتی که ممکن است حین اجرای پروژه‌های نفت و گاز به وجود آید و جهت جلوگیری از توقف کارها و خساراتی که ممکن است از این حیث به طرفین وارد شود، پیش‌بینی راه کارها و مکانیزم‌هایی جهت مقابله با وضعیت مذکور ضروری است. یکی از این راه کارها انعقاد قرارداد فارم‌اوت است که در آن طرف واگذار کننده بخشی از منافع قراردادی و سهم الشرکه‌ی خود را در ازای انجام عملیات یا پرداخت هزینه‌ی آنها به طرف واگذار شونده انتقال می‌دهد. کمبود منابع مالی یا فن‌آوری یا کسب اطلاعات بیشتر در خصوص ویژگی‌های میدان می‌تواند موجب افزایش انگیزه‌ی واگذار کننده به انعقاد این قراردادها شود. مسأله‌ی بسیار مهم دیگر در خصوص این قراردادها وجود پیش شرطها و الزاماتی است که طرفین باید قبل از انعقاد قرارداد رعایت کنند. لزوم اخذ رضایت دولت میزبان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین پیش شرطهایی است که تقریباً در تمام نظام‌های حقوقی در خصوص قراردادهای نفتی مقرر شده و در غیر این صورت قرارداد منعقد بین واگذار کننده و واگذار شونده نافذ و معتبر نخواهد بود؛ چراکه علی‌الاصول دولت قرارداد را با شخصی منعقد می‌کند که از نظر او صاحب صلاحیت و توانایی کافی جهت انجام عملیات موضوع قرارداد است. بنابراین هرگونه تغییر در این مورد نیازمند موافقت و تصویب دولت مربوطه است. قراردادهای فارم‌اوت را می‌توان هم در مرحله‌ی اکتشاف و هم در مراحل توصیف و توسعه استفاده کرد اما اصولاً در مرحله‌ی تولید انعقاد چنین قراردادهایی رایج نیست. قراردادهای فارم‌اوت را نباید با قراردادهای پشتیبانی اشتباه گرفت، موضوع قراردادهای فارم‌اوت

چاه شده با مشکلات متعددی مواجه شود که نتواند از پس حجم عملیات اکتشافی و هزینه‌های آن برآید و ادامه‌ی عملیات نیز مقرون به صرفه نباشد اگر هزینه‌های صرف شده توسط واگذار شونده از حداقل هزینه‌ها بیشتر شود و واگذار شونده حداقل تعهدات کاری مقرر شده را انجام دهد انجام عملیات حفاری با همان حجم از طرف وی رضایت بخش خواهد بود. چنین شرطی همچنین مشکلات مربوط به تعیین مبالغ خسارت در مواقعی که واگذار شونده نتوانسته به تعهدات خویش وفا کند را برطرف می‌سازد و در نتیجه واگذار شونده متعهد می‌شود مبلغی که به صورت شرط ضمن عقد در قرارداد پیش‌بینی شده بابت عدم انجام تعهد خویش تضمین کرده را بپردازد.

طرفین موافقت می‌کنند که ریسک تأخیر یا عدم انجام عملیات برعهده‌ی واگذار شونده خواهد بود و در غیر این صورت یعنی اگر واگذار شونده حاضر به انجام عملیات نشود یا نتوان او را به انجام عملیات ملزم کرد، واگذار کننده می‌تواند خود با هزینه‌ی واگذار شونده، امور قراردادی محوله به وی را انجام دهد. بعد از آنکه عملیات انتقال بخشی از تعهدات به واگذار شونده پایان یافت وی متعهد می‌شود سهم خود از تمامی هزینه‌هایی که ممکن است در آینده بر اساس قرارداد اصلی یا قرارداد عملیاتی مشترک به وجود بیاید را نیز بپردازد.

طرفین می‌توانند جهت پرداخت‌های نقدی و تزریق منابع مالی به پروژه روش‌های گوناگونی را اتخاذ کنند. واگذار شونده ممکن است به پرداخت مبلغ معینی از پول متعهد شود که می‌تواند معادل درصدی از هزینه‌های تحمیل شده به واگذار کننده از تاریخ نفوذ قرارداد باشد، به اضافه‌ی تمامی هزینه‌هایی که ممکن است در آینده در طول مدت قرارداد اصلی یا قرارداد عملیاتی مشترک پیش آید؛ همچنین ممکن است واگذار شونده موافقت کند بخشی از هزینه‌های آتی انجام عملیات توسط واگذار کننده را که ممکن است بعد از تاریخ نفوذ قرارداد فارم‌اوت برای او حادث شود پرداخت کند. همچنین در اغلب موارد به واگذار کننده حق رسیدگی و حسابرسی به تمامی هزینه‌ها و پرداختی‌ها داده می‌شود و هر دو طرف قرارداد نیز حق دادن درخواست رسیدگی به حساب‌ها را خواهند داشت. به‌طور خلاصه در قراردادهای فارم‌اوت، واگذار شونده عملیات مربوط به واگذار کننده را با تأمین منابع مالی مورد نیاز انجام داده و سپس به نسبت سهم‌الشرکه‌ای که در قرارداد اصلی به او تعلق می‌گیرد هزینه‌های خود را از تولیدات به دست آمده مستهلک خواهد کرد.

۲-۶- تعهدات واگذار کننده

تعهد اصلی واگذار کننده، آگاه کردن واگذار شونده از تمامی امکانات توسعه‌ای پیش‌بینی شده در قرارداد اصلی یا عملیاتی مشترک و خودداری از انجام هرگونه اقدام یا استفاده از ابزار است که طی مدت موقتی انتظار تأثیر معکوس بر روند پیشرفت کار می‌گذارد؛ هرچند این موارد در دوره‌ی شرایط مقدماتی و اجرای کلیات موافقت‌نامه‌ی مقدماتی است

واگذار شونده می‌تواند بعد از انعقاد قرارداد فارم‌اوت با واگذار کننده یک قرارداد عملیاتی مشترک منعقد کرده یا به عضویت قراردادی که قبل از آن بین شرکای طرف قرارداد اصلی وجود داشت درآید.

اگر چه رشد و توسعه‌ی استفاده از این مدل قراردادی به دلیل اینکه اولاً ساختار و شرایط انعقاد این قراردادها بسیار متنوع است و ثانیاً به صورت غیررسمی بین شرکت‌های مجرب استفاده می‌شود به کندی پیش می‌رود اما قراردادهای فارم‌اوت سال‌هاست که در صنعت نفت آمریکا و کانادا استفاده می‌شوند و امروزه نیز انعقاد آن در صنعت نفت رواج فراوانی دارد؛ به همین منظور شرکت‌های نفتی بین‌المللی از نمونه‌ی قراردادهای استاندارد فارم‌اوت به همراه شروط استاندارد مندرج در آنها که توسط مؤسسات بین‌المللی از جمله انجمن بین‌المللی مذاکره کنندگان نفتی تهیه شده استفاده می‌کنند. پس از جنگ جهانی دوم قراردادهای فارم‌اوت در آمریکا در واکنش به افزایش ریسک‌ها و هزینه‌های حفاری عمیق و رشد و افزایش روزافزون شرکت‌های نفتی کوچک پا به عرصه‌ی وجود گذاشتند. به همین نحو و در کنار رشد این شرکت‌ها، شرکت‌های نوظهور مستقل نفتی نیز در سطوح فراملی شروع به سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها و تعاملات بین‌المللی کردند و در عرصه‌ی صنعت نفت در انعقاد این قراردادها با غول‌های نفتی‌ای که از قبل در صحنه حضور داشتند فعالانه مشارکت کردند. از این رو در دنیای کنونی صنعت نفت، انعقاد قراردادهای فارم‌اوت به عنوان ابزاری جهت مدیریت ریسک و تقسیم هزینه‌های رایج است و طرفین قراردادهای نفتی با استفاده از این قالب قراردادی بهتر می‌توانند به اهداف مدنظر خود دست یابند. ■

اصولاً انجام بخشی از کار یا تأمین مالی آن در ازای دریافت بخشی از سهم‌الشرکه است، در حالی که در قراردادهای پشتیبانی، نقش اصلی طرف دوم، تأمین مالی است که در ازای آن سهم‌الشرکه‌ای دریافت نمی‌کند بلکه هزینه‌های خود را از طریق دریافت اطلاعات یا بخشی از محصول میدان بازیافت می‌کند.

همان‌طور که ملاحظه شد سادگی فارم‌اوت‌های سنتی و عدم مطابقت آنها با نیازهای صنعت نفت و پروژه‌های بزرگ نفتی با هدف پاسخ‌گویی بهتر به نیازهای فعالان صنعت نفت باعث تجدیدنظر و گنجانیدن مقرره‌هایی در آنها شد. یکی از تفاوت‌های فارم‌اوت‌های سنتی و مدرن اینست که در گذشته انعقاد قرارداد فارم‌اوت به شیوه‌ی غیررسمی و با نامه‌نگاری بین اشخاص انجام می‌شد اما امروزه به دلیل مسائل مالی و مالیاتی گسترده و حساسیت‌هایی که ممکن است به دلیل ابهام در حقوق و تعهدات طرفین در قرارداد به وجود آید این شیوه‌ی معمول کنار نهاده شد و شرکت‌های نفتی بین‌المللی هر کدام به نوبه‌ی خود مدل قراردادی فارم‌اوت تنظیم کردند. نکته‌ی حائز اهمیت دیگر در خصوص قراردادهای فارم‌اوت، تفاوت آن با قراردادهای عملیاتی مشترک است. همان‌طور که گفته شد در قراردادهای عملیاتی مشترک میزان سهم‌الشرکه‌ی اعضا از قبل مشخص است و معمولاً یکی از اعضا که متصدی نام دارد وظایف عملیاتی و سایر اعضا (غیرمتصدیان) تأمین مالی پروژه و نظارت بر اجرای آنرا انجام می‌دهند. اما در قراردادهای فارم‌اوت، یک طرف با انجام عملیات نفتی یا پرداخت هزینه‌ی آن به دنبال تحصیل سهم‌الشرکه در عملیات نفتی است. همچنین

پانویس‌ها

1. mostafa_zeinoddin@yahoo.com
2. eafshar15@yahoo.com
3. Assignment

4. Association of International Petroleum Negotiators
5. Joint Operating Agreement
6. Pre-emption Right

منابع

- [1] حاتمی علی، کریمیان اسماعیل، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری، انتشارات تپسا، چاپ دوم ۱۳۹۳
- [۲] مجتبی اصغریان، حقوق نفت و گاز در ایالات متحده‌ی آمریکا (قراردادهای اجاره نفت و گاز)، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۱
- [3] Adenike Akinnurun, "MAC" Clauses under Farmout Agreements: What are they and when do they become effective?
- [4] A. Doe, Farmout Agreement-Problems Areas to be Addressed in Negotiation and Documentation.
- [5] Charles Birch, Choosing the Right Joint Venture Structure for the Framout.
- [6] Claude Duval, Honore Le Leuch, Andre Pertuzio, Gacqueline Lang Weaver, International Petroleum Exploration and Exploitation Agreements: Legal, Economic and Policy Aspects.
- [7] Hemingway, W.R., The Farmout Agreement: A Story Short but Not Always Sweet.
- [8] JC Norton and DA Rowe, Accounting and Auditing Guide for United Kingdom Oil and Gas Exploration and Production, 1978.
- [9] John R. Scott, How to Prepare an Oil and Gas Farmout Agreement.
- [10] John S. Lowe, Analyzing Oil and Gas Farmout Agreement. Southwestern Law Journal 1987.
- [11] John S. Lowe, Farmout Agreement and Related Issues, George W. Hutchison Professor of Energy Law, Southern Methodist University Dallas, Texas.
- [12] John S. Lowe, The Anatomy and Preparation of OCS Farmout Agreements.
- [13] Julia Derrick, Ashurst LLP, Oil and Gas: A Practical Handbook, Farm-outs.
- [14] Kendor P. Jones "Something Old, Something New: The Evolving Farmout Agreement".
- [15] King and Spalding LLP, Upstream Government Petroleum Contracts, Handbook on Legal and Commercial Terms, Louisiana, King and Spalding LLP: 2005.
- [16] Lowe J.S., Oil and Gas Law in a Nutshell. 2nd Edition.
- [17] Michael L. Covey Jr, Mineral Law, Documenting the Oil and Gas Farmout Agreement.
- [18] S Gibson, Farmout Agreements 1993, 2OGLTR.